یادداشت

همکاری ایران و عربستان «گذار از الگوی تقابل - رقابت، به الگوی همکاری - رقابت»

سیدمحمد حسینی
سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی

توافق ۱۰ مارس ۲۰۲۳، احیای روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی، رویدادی آینده‌ساز در منطقه غرب آسیاست که ثبات منطقه‌ای و کاهش مداخلات منفیِ قدرت‌های خارجی را در پی خواهد داشت. این روابط در بلندمدت نیز هسته شکل‌گیری نظم منطقه‌ایِ درون‌زا خواهد بود. مروری بر تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد ثبات و بی‌ثباتی در خاورمیانه تا حدود زیادی وابسته به کیفیت روابط ایران و عربستان بوده است. تنش در روابط ایران و عربستان همواره به محیط پیرامونی این دو کشور تسری پیدا کرده و زمینه را برای حضور و مداخله بیشتر قدرت‌های مداخله‌گر خارجی از قبیل آمریکا در منطقه فراهم کرده و می‌کند و این امر با مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعارض کامل است. قدرت جمهوری اسلامی ایران اولا در گرو ثبات منطقه‌ای یا حداقلِ تنش، در منطقه است و ثانیا در گرو کاهش مداخلات قدرت‌های برون‌منطقه‌ای به‌خصوص آمریکا در غرب آسیا تعریف می‌شود. از سوی دیگر تجربیات تاریخی نشان می‌دهد تنش‌زدایی میان ایران و عربستان نیز موجب شکل‌گیری ثبات نسبی در منطقه شده است.

ریشه توافق ۱۰ مارس ایران و عربستان در چین را نیز باید مانند ادوار گذشته در «توازن قدرت منطقه‌ای» دنبال کرد. اما در توافق جدید، متغیر جدیدی در انگیزه همکاری دو کشور اضافه شده است و آن نیاز دو کشور به «ثبات منطقه‌ای» است. در واقع منافع مشترک و متقارب ایران و عربستان در ثبات منطقه‌ای، انگیزه آغاز روابط میان دو کشور را تشدید کرده است. ثبات منطقه‌ای همواره هدف راهبردی ایران در منطقه بوده است، عربستان سعودی نیز ثبات منطقه‌ای را راهبرد خود قرار داده است. در گذشته پس از آنکه رویدادی موجب تغییر توازن قدرت در منطقه می‌شد، مانند حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ یا بهار عربی ۲۰۱۰، مجددا روابط فی‌مابین دو کشور به سمت تقابل و تنش می‌رفت، اما در توافق مارس ۲۰۲۳، انگیزه احیای روابط علاوه بر توازن قدرت در منطقه، نیاز هم‌زمان دو کشور به ثبات منطقه‌ای هم هست و این می‌تواند نوید روابطی پایدار میان ایران و عربستان در آینده را بدهد. نقطه قابل تأمل و مثبت در این توافق، مداخله مثبت چین به عنوان یک قدرت جهانی است که عمیقا خواهان ثبات منطقه‌ای در غرب آسیا و در سطح کلان‌تر، ثبات جهانی است. ایران و عربستان و چین در این توافق، مثلثی را شکل دادند که منافع آنها در موضوع ثبات منطقه غرب آسیا، متقارب و هماهنگ شده است. همچنین اعتماد عربستان به چین نشان می‌دهد سعودی‌ها «راهبرد تنوع‌بخشی در روابط با قدرت‌های بزرگ» را در عمل دنبال می‌کنند و در سیاست‌های منطقه‌ای به استقلال سیاسی رسیده‌اند. ثبات‌طلبی سه کشور ایران-عربستان و چین در منطقه آثار مهمی در ساختار قدرت منطقه‌ای دارد، به‌گونه‌ای که کفه ترازو را به سود ایران و علیه رژیم صهیونیستی و آمریکا تغییر می‌دهد. با توجه به همراهی سنتی کشورهای حوزه خلیج فارس با عربستان، انتظار می‌رود، رژیم صهیونیستی و بازیگرانی که منفعت خود را در بی‌ثباتی منطقه‌ای می‌دانند، در اقلیت قرار بگیرند. در عین حال احیای روابط میان دو کشور را باید نقطه آغازی برای «ساختن آینده روابط دو کشور» دانست؛ چراکه عناصری که می‌توانند مجددا دو کشور را وارد تقابل و تنش کنند، وجود دارند. در رأس این عناصر انگیزه‌های رژیم صهیونیستی است که منافع راهبردی خود در منطقه را در ایجاد و تشدید دوقطبی امنیتی میان ایران و اعراب و افزایش تنش در روابط ایران با عربستان و دیگر بازیگران مؤثر منطقه‌ای می‌داند (نکته مهمی که وزیر دفاع عربستان در ملاقات با رهبر معظم انقلاب بر آن اشاره کرد).

اراده پادشاهی عربستان و نظام جمهوری اسلامی ایران برای آغاز روابط دیپلماتیک، نیازمند مراقبت و رصدِ عدم قطعیت‌هایی است که مانند شوک‌های راهبردی می‌توانند آتشِ تنش میان ایران و عربستان را مجدد شعله‌ور کنند. بر این اساس دستگاه دیپلماسی دو کشور وظیفه خطیری برای ساختنِ اصول روابط فی‌مابین در قالب گام‌های عملیاتی و سازنده دارند. تحکیم روابط ایران و عربستان نیازمند «اقدامات سازنده» برای بهبود تدریجی روابط، «اقدامات بیمه‌کننده» برای کنترل عدم قطعیت‌هایِ فاجعه‌آمیز و ارسال «علائم هشداردهنده» به تصمیم‌گیران سیاسی دو کشور است. به همین منظور سرمایه‌گذاری پیرامون بسترهای مشترک نظری و همکاری پیرامون منافع مشترک ایران و عربستان در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ و بهبود توافق ۱۰ مارس ۲۰۲۳ است. در ادامه به بسترهای مشترک نظری و منافع مشترک ایران و عربستان می‌پردازیم:

تحولات پس از ۷ اکتبر؛ صلح‌طلبی ایران و افزایش اعتماد عربستان

پیشبرد سیاست همسایگی از سوی ایران با همسایگان به‌ویژه با عربستان چه در گذشته و چه اکنون، با موانع سیستمیک، منطقه‌ای و ملی مواجه بوده است. یکی از موانع عمده؛ تعارضات ناخواسته میان نقش ایران در جبهه مقاومت و نقش ایران در پیشبرد سیاست همسایگی بوده است. سیاست منطقه‌ای ایران طی سال‌های گذشته با دو اتهام شامل تلاش برای ایجاد «هلال شیعی» و «صفویه‌گرایی» روبه‌رو بود. از سوی دیگر پدیده «ایران‌هراسی» همواره از سوی برخی از رسانه‌های معاند، ترویج می‌شده است. سوختِ این اتهامات و جریاناتِ خصمانه رسانه‌ای نیز حمایت ایران از جبهه مقاومت در منطقه بود. آنها حمایت ایران از گروه‌های مقاومت را مستند می‌کردند که ببینید « ایران به دنبال احیای امپراتوری صفویه است و مبارزه با اسرائیل تنها بهانه‌ای برای بسط جغرافیای استراتژیک ایران در مختصات دولت شیعه صفوی است». مجموعه کنش‌های اجتناب‌ناپذیر و ضروری ایران در جبهه مقاومت و تبلیغات منفی علیه سیاست منطقه‌ای ایران باعث شده بود سیاست همسایگی ایران نیز از سوی برخی از همسایگان «باورپذیر» نباشد و تعاملات ایران در رابطه همسایگان حمل بر چیزهایی دیگر از قبیل فرار از تنگنای تحریم، تلاش برای نفوذ و حتی مداخله در امور داخلی تفسیر شود. از آنجا که «اعتمادسازی» مرحله نهایی و میوه سیاست همسایگی است؛ اتهامات مذکور علیه سیاست منطقه‌ای ایران به فرایندِ اعتمادسازی ضربه مستقیم وارد می‌کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز در قالب سیاست اعلانی تلاش می‌کرد بین کارکردِ ایران در جبهه مقاومت با کارکردِ ایران در رابطه با همسایگان تفکیک قائل شود، بلکه آنها را مقوم یکدیگر نشان دهد. دیپلماسی ایران استدلال می‌کرد توان دفاعی ایران بازدارندگی و در جهت حفظ ثبات منطقه و مقابله با رژیم صهیونیستی است. ایران تلاش می‌کرد، نشان دهد در قبال آمریکا و اسرائیل منطقی رئالیستی دارد، اما نسبت به همسایگان منطقی ایدئالیستی را دنبال می‌کند.

فعال‌شدن تعارض جبهه مقاومت با رژیم صهیونیستی پس از ۷ اکتبر و مجموعه برخوردهایی که میان ایران و رژیم صهیونیستی به وجود آمد، وجوه مثبت فراوانی داشت. یکی از وجوه مثبت آن باورپذیریِ کشورهای همسایه از استراتژی دفاعی ایران در ابعاد نظامی بود.

ادامه در صفحه ۳

نگاهی به آینده مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا

پویایی‌های دیپلماتیک و حساسیت‌های پیش‌رو

عبدالرحمن فتح‌الهی: مذاکرات هسته‌ای میان ایران و ایالات متحده که تاکنون دو دور آن در مسقط (۲۳ فروردین ۱۴۰۴) و رم (۳۰ فروردین ۱۴۰۴) به انجام رسیده، به مرحله‌ای سرنوشت‌ساز وارد شده است. این گفت‌وگوها، با میانجیگری عمان و حضور عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ، بستری برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای فراهم آورده است. به اعلام وزارت خارجه ایران، مذاکرات فنی در سطح کارشناسی از روز چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ در عمان آغاز می‌شود و دور سوم این گفت‌وگوها نیز قرار است در تاریخ شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ در مسقط برگزار شود. با این حال، این روند تحت تأثیر فشارهای سیاسی، بی‌اعتمادی تاریخی و تلاش‌های اسرائیل برای نفوذ در مذاکرات و تحمیل توافقی مشابه مدل خلع سلاح لیبی، با پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی مواجه است.

آغاز مذاکرات و گامی محتاطانه به سوی تفاهم

دور نخست مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در مسقط با استقبال نسبی دو طرف همراه بود و کاخ سفید آن را «گامی رو به جلو برای دستیابی به نتیجه‌ای سودمند» توصیف کرد. دور دوم مذاکرات در رم نیز، به گفته عباس عراقچی، زمینه‌ساز «تفاهم بهتر بر سر اصول و اهداف» شد. این مذاکرات به صورت خصوصی برگزار شده و حتی شرکای اروپایی-آمریکا و همچنین چین و روسیه، در آن حضور ندارند. این انزوا، به‌ویژه برای اسرائیل که حتی به عنوان ناظر در کنار آمریکا در این گفت‌وگوها حضور ندارد، قابل توجه است و تل‌آویو را واداشته تا از طریق دیدارهای غیررسمی با مقامات آمریکایی، در پی تأثیرگذاری بر روند مذاکرات باشد. در جریان دور دوم مذاکرات در رم، روزنامه نیویورک‌تایمز گزارش داد که استیو ویتکاف به مقامات آمریکایی هشدار داده است: «اگر بر برچیدن کامل زیرساخت‌های هسته‌ای ایران پافشاری کنیم، احتمال رسیدن به توافق بسیار پایین خواهد بود». این اظهارنظر که نشان‌دهنده درک واقع‌بینانه‌ای از پیچیدگی‌های مذاکره با ایران است، می‌تواند نشانه‌ای از تمایل واشنگتن به اتخاذ رویکردی منعطف‌تر باشد، رویکردی که به ایران اجازه می‌دهد ضمن حفظ توان صلح‌آمیز هسته‌ای خود، به تعهدات بین‌المللی پایبند بماند.

تحمیل مدل لیبی یا انزوای دیپلماتیک؟

یکی از جنبه‌های قابل توجه این مذاکرات، تلاش‌های آشکار اسرائیل برای حضور مستقیم و آگاهی از جزئیات آنهاست. به گزارش روزنامه هاآرتص، دیوید بارنیا، رئیس موساد، و ران درمر، وزیر امور استراتژیک اسرائیل، در روز جمعه ۲۹ فروردین ۱۴۰۴ در پاریس با استیو ویتکاف دیدار کردند و پس از آن، در جریان مذاکرات رم نیز برای رایزنی با ویتکاف در محل اقامت او حضور یافتند. این دیدارها که به گفته منابع اسرائیلی با هدف ارائه خواسته‌های تل‌آویو و تأثیرگذاری بر روند مذاکرات انجام شده، نشان‌دهنده نگرانی عمیق اسرائیل از انزوای خود در این فرایند دیپلماتیک است. تل‌آویو که به دنبال تحمیل توافقی شبیه به مدل خلع سلاح لیبی است، از کنار گذاشته‌شدن از میز مذاکره ابراز ناخرسندی کرده است. نتانیاهو اکنون فقط به توافقی بین تهران و واشنگتن رضایت داده است که مانند مدل لیبی در سال ۲۰۰۳ که به برچیده‌شدن کامل برنامه تسلیحاتی این کشور منجر شد، فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز به طور کامل متوقف شود. گدعون ساعر، وزیر خارجه اسرائیل، در گفت‌وگو با دیلی‌تلگراف، با تأکید بر اینکه «ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد»، اظهار داشت: «ما به ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای پایبند هستیم و اگر این امر به روش‌های دیپلماتیک ممکن شود، مورد قبول است». با این حال، ساعر گزارش نیویورک‌تایمز مبنی بر برنامه‌ریزی اسرائیل برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در ماه آینده و ممانعت دونالد ترامپ از این حمله را تکذیب کرد و مدعی شد: «من عضوی از شورای امنیت اسرائیل هستم و چنین تصمیمی را به یاد نمی‌آورم». این اظهارات، هرچند تلاشی برای کاهش تنش‌های دیپلماتیک با واشنگتن به نظر می‌رسد، نمی‌تواند نگرانی عمیق تل‌آویو از پیشرفت مذاکرات بدون حضور یا نفوذ مستقیم آن را پنهان کند. اسرائیل که از مدل خلع سلاح لیبی به عنوان الگویی برای فشار بر ایران حمایت می‌کند، نگران است توافقی محدودتر، مانند بازگشت به مفاد برجام، به ایران اجازه دهد توان هسته‌ای صلح‌آمیز خود را حفظ کند؛ امری که از نظر تل‌آویو با خطوط قرمز آن سازگار نیست. این نگرانی‌ها همراه با انزوای اسرائیل از میز مذاکره، می‌تواند به تشدید تنش میان تل‌آویو و واشنگتن منجر شود، به‌ویژه در شرایطی که اظهارات ویتکاف نشان‌دهنده فاصله‌گرفتن احتمالی آمریکا از رویکرد حداکثری اسرائیل است.

چالش‌های مذاکرات از بی‌اعتمادی تاریخی تا فشارهای داخلی

در کنار آنچه گفته شد، مذاکرات جاری با چالش‌های متعددی مواجه است که ریشه در تاریخ روابط ایران و آمریکا و همچنین پویایی‌های سیاسی داخلی در واشنگتن دارد. یکی از موانع اصلی، درخواست ایران برای تضمین‌های بلندمدت درباره تداوم رفع تحریم‌هاست. دنیل دی پاتریس، ستون‌نویس شیکاگوتریبیون، در این باره می‌نویسد: «تهران خواهان اطمینان از این است که دونالد ترامپ یا رئیس‌جمهور آینده آمریکا، برای بار دوم از توافق خارج نشود و تحریم‌ها را بازنگرداند. این مطالبه در دوران بایدن نیز مطرح بود و تهران نمی‌خواهد بار دیگر از سوی آمریکا فریب بخورد». اما این درخواست با یک مانع حقوقی مواجه است؛ چراکه دولت آمریکا نمی‌تواند تضمینی حقوقی برای پایبندی رئیس‌جمهور بعدی به توافق ارائه دهد، حتی اگر توافق در سنا تصویب شود. این محدودیت، اعتماد ایران به مذاکرات را تضعیف کرده است، اما تمایل تهران به ادامه گفت‌وگوها نشان‌دهنده اراده‌ای برای یافتن راه‌حلی معقول و پایدار است. ضمنا فضای سیاسی داخلی در آمریکا نیز بر مذاکرات تأثیرگذار است و در پیوست این نکته، دی پاتریس هشدار می‌دهد: «هرچه گفت‌وگوهای هسته‌ای پیشرفت بیشتری داشته باشند، مخالفت تندروهای ضدایرانی در واشنگتن شدیدتر خواهد شد». او به روایت‌های آشنایی اشاره می‌کند که توافق را «بد» یا «مماشات» توصیف و حتی آن را با توافق مونیخ ۱۹۳۸ مقایسه می‌کنند. بنیامین نتانیاهو نیز از هر فرصتی برای فشار بر دونالد ترامپ استفاده خواهد کرد تا هر توافقی را که به تسلیم کامل ایران منجر نشود، متوقف کند. این فشارها که از سوی کنگره و گروه‌های تندرو در واشنگتن نیز تقویت می‌شود، می‌تواند مسیر مذاکرات را دشوار کند. با این حال، انعطاف‌پذیری نسبی که در اظهارات ویتکاف مشاهده می‌شود، می‌تواند فضایی برای کاهش این فشارها فراهم آورد.

در داخل دولت آمریکا نیز اجماع روشنی وجود ندارد. مارکو روبیو، وزیر امور خارجه، و مایک والتز، مشاور امنیت ملی، خواستار «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای ایران هستند، در حالی که جِی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، با مداخله نظامی مستقیم مخالف است. این اختلافات، به گفته دی پاتریس، باید پیش از ورود به گفت‌وگوهای محتوایی با ایران حل‌وفصل شود تا مذاکرات از انسجام لازم برخوردار باشد.

حساسیت‌های مرحله کارشناسی

با آغاز مذاکرات فنی در سطح کارشناسی از چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، این فرایند وارد مرحله‌ای حیاتی شده است که می‌تواند مسیر نهایی مذاکرات را تعیین کند. به قول ضرب‌المثل انگلیسی، «The devil is in the details» (شیطان در جزئیات است)، تمرکز بر جزئیات اختلافی میان تهران و واشنگتن، از جمله سطح غنی‌سازی، دامنه بازرسی‌ها و مکانیسم‌های رفع تحریم‌ها و... همگی نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا شکست این گفت‌وگوها خواهد داشت. این مرحله، به دلیل حساسیت بالای مسائل فنی و سیاسی، نیازمند دقت و صبر بسیار است. پافشاری دونالد ترامپ بر غنی‌سازی صفردرصدی یا برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران، همان‌طورکه ویتکاف نیز هشدار داده، می‌تواند شانس رسیدن به توافق را به‌شدت کاهش دهد. در چنین شرایطی، انعطاف‌پذیری و تمرکز بر راه‌حل‌های میانه که حقوق مشروع ایران را در چارچوب استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای به رسمیت بشناسد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. علاوه بر این، دخالت مسائل غیرهسته‌ای، مانند موضوعات منطقه‌ای یا اتهامات غیرمرتبط، در این مقطع حساس می‌تواند معادلات را به هم بزند و روند مذاکرات را از مسیر اصلی خود منحرف کند. ایران که همواره بر تمرکز مذاکرات بر موضوع هسته‌ای تأکید کرده، نسبت به هرگونه تلاش برای گنجاندن موضوعات غیرمرتبط در این گفت‌وگوها حساسیت نشان داده است. این رویکرد که مبتنی بر تجربه گذشته و حفظ تمرکز بر اولویت‌های ملی است، می‌تواند به پایداری مذاکرات کمک کند، مشروط بر اینکه طرف مقابل نیز از واردکردن موضوعات حاشیه‌ای خودداری کند.

تجربه برجام و ضرورت بازنگری

دیپلماسی میان ایران و آمریکا همواره تحت تأثیر زبان، حافظه تاریخی و احساس تحقیر بوده است. خروج یک‌جانبه دونالد ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ و کمپین «فشار حداکثری» پس از آن، سوءظن‌های قدیمی را زنده و روایت اعتماد نسبی‌ای که در دوره برجام شکل گرفته بود را به تردید و مقاومت تبدیل کرد. «ما نمی‌توانیم به آنها اعتماد کنیم» به شعاری غالب در تهران تبدیل شد، شعاری که با یادآوری وعده‌های عملی‌نشده غرب تقویت می‌شود. با این حال، تمایل ایران به ادامه مذاکرات، حتی در سایه این بی‌اعتمادی، نشانه‌ای از درک استراتژیک تهران از اهمیت دیپلماسی برای حفظ منافع ملی و کاهش فشارهای بین‌المللی است. دی پاتریس در ادامه نوشته خود معتقد است که یک مذاکره موفق معمولا به این معناست که هر دو طرف دستاوردهایی دارند، اما هیچ‌کدام به تمام خواسته‌های خود نمی‌رسند. او باور دارد: «دقیقا همین اتفاق در مذاکرات برجام رخ داد. به نظر می‌رسد ایران آماده بازگشت به مفاد برجام (یا چیزی نزدیک به آن) است، اما اینکه آیا این برای دولت دونالد ترامپ کافی خواهد بود، کاملا نامشخص است». این دیدگاه، بر اهمیت یافتن توازنی تأکید دارد که به ایران اجازه دهد ضمن پایبندی به تعهدات بین‌المللی، از حقوق خود در بهره‌مندی از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای محافظت کند.

امیدواری محتاطانه در سایه چالش‌ها

در حالی همگان منتظر آغاز نشست کارشناسان و دور سوم گفت‌وگوهای تهران و واشنگتن هستند که هم‌زمان دولت دونالد ترامپ یک استراتژی گام‌به‌گام و مرحله‌ای را پیش می‌برد و به ایران یک بازه زمانی دوماهه برای مذاکره درباره توافقی جدید داده است. در این میان، واشنگتن نشانه‌گذاری نظامی خود را نیز تشدید کرده است. انتقال بمب‌های سنگرشکن MK-84 به اسرائیل و استقرار بمب‌افکن‌های رادارگریز B-2 در پایگاه دیگو گارسیا در اقیانوس هند، نشانه‌ای از تلاش برای تقویت اهرم مذاکراتی است. تحلیلگران معتقدند این هواپیماها می‌توانند به بمب‌های نفوذگر عظیم GBU-57 مجهز شوند که قادر به نفوذ به مقاوم‌ترین سایت‌های هسته‌ای ایران هستند. هم‌زمان، حملات هوایی و دریایی آمریکا علیه حوثی‌ها در یمن، هشداری صریح به تهران ارسال کرده است. با این حال، نشانه‌هایی از انعطاف نیز دیده می‌شود. اظهارات ویتکاف در نیویورک‌تایمز، مبنی بر اینکه پافشاری بر برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران احتمال توافق را کاهش می‌دهد، همراه با ارائه پیش‌نویسی که در آن از تهدید نظامی صریح یا درخواست برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران خودداری شده، می‌تواند فضایی برای اعتمادسازی ایجاد کند. عراقچی نیز پس از مذاکرات رم اظهار داشت: «مذاکرات رو به جلو است، اما نه جایی برای خوش‌بینی افراطی هست و نه دلیلی برای بدبینی شدید». این مواضع، نشان‌دهنده رویکردی واقع‌بینانه از سوی ایران است که ضمن تأکید بر حقوق خود، مسیر دیپلماسی را باز نگه داشته است.

موفقیت این مذاکرات به عوامل متعددی بستگی دارد: نخست، درک متقابل از اهمیت برنامه هسته‌ای برای ایران. در همین باره باربارا اسلاوین در یادداشت تحلیلی برای مؤسسه استیمسون یقین دارد: «درک درست و واقع‌بینانه از اهمیت برنامه هسته‌ای برای ایران، نه‌تنها به عنوان یک ابزار فنی، بلکه به عنوان نمادی از حاکمیت و غرور ملی، در جهت پیشبرد مذاکرات یک پارامتر کلیدی و ضروری است». دوم، نقش میانجیگری عمان و حمایت متحدان ایران، مانند روسیه، می‌تواند به تقویت این روند کمک کند. سفر اخیر عراقچی به مسکو و تأکید بر تداوم همکاری‌های راهبردی با روسیه، نشانه‌ای از تلاش تهران برای حفظ حمایت‌های بین‌المللی است. در نهایت، مذاکرات مسقط و رم، با وجود چالش‌های پیش‌رو، فرصتی برای کاهش تنش‌ها و بازتعریف روابط میان ایران و آمریکا فراهم آورده است. اما تلاش‌های اسرائیل برای نفوذ در این مذاکرات و تحمیل مدل لیبی، همراه با حساسیت‌های مرحله کارشناسی، می‌تواند به پیچیدگی‌های بیشتری منجر شود. مسیر پیش‌رو نیازمند صبر، هوشیاری و بازنگری در زبان دیپلماتیک از سوی همه طرف‌هاست تا توافقی پایدار و عادلانه شکل گیرد.

خوش‌بینی به مذاکرات ایران و آمریکا در سایه مصالحه سیاسی

ادامه از صفحه اول

باید توجه داشت که در فضای آشتی‌جویانه و گفت‌وگو اقدامات انتحاری و رادیکال و همچنین کارهای پیش‌بینی‌ناپذیر به حداقل می‌رسد و طرفین اساسا حاضر به پرداخت هزینه سنگین پیکارهای سیاسی خصومت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز نمی‌شوند. در مصالحه نوعی عقلانیت معطوف به آینده وجود دارد و نیروهای مصالحه‌گر با یک نگاه بلندمدت درصدد تحقق مصالحه هستند. طرفداران مصالحه تلاش می‌کنند با به‌کارگیری ابزارهای عقلانی و تمرکز بر تحولات پیش‌رو حتی با دشمنان خود به توافق رسیده یا حداقل تلاش‌های آنها را بی‌تأثیر و خنثی کنند. اعتدال‌گرایی (میانه‌روی) و پرهیز از رادیکالیسم از شاخصه‌های مهم مصالحه سیاسی به حساب می‌آید. موضوع میانه‌روی و نرمش در تداوم عقلانیت سیاسی است و مهم‌ترین وجه آن، تقابل با افراط‌گری و رادیکالیسم است. از طریق میانه‌روی و با بهره‌گیری از مهارت مذاکره و گفت‌وگو و با دادن اطمینان به طرف مقابل می‌توان به یک توافق و اجماع که تأمین‌کننده منافع طرفین باشد، نزدیک شد. شجاعت شاخصه دیگری برای مصالحه سیاسی است. متأسفانه در فرهنگ سیاسی ما مصالحه سیاسی همواره برای طراحان و مروجان آن مخاطرات و هزینه‌های سنگینی را در پی داشته است. افرادی که ندای مصالحه سر می‌دهند، همواره متهم به خیانت، سازش‌کاری و نداشتن شجاعت می‌شوند. باید به این مسئله توجه کرد که شجاعت در عرصه سیاسی محدود به اقدامات متهورانه، واکنش‌های تند یا ایستادگی در مقابل ظلم و بی‌عدالتی به هر نحو ممکن نیست، بلکه مصالحه، گزینشی مبتنی بر عقلانیت برای رسیدن به بهترین تصمیم نیز می‌شود که منافع و مصالح عمومی را تأمین کند. به نظر می‌رسد اشاره رهبری به نرمش قهرمانانه حکایت از وجود عنصر شجاعت در درون مفهوم مصالحه سیاسی دارد. برخی از نظریه‌پردازان معتقدند مصالحه سیاسی نوعی فضیلت است. جان رالز بر این باور است که عدالت از معبر مصالحه می‌گذرد و عدالت بر بسیاری از ارزش‌ها مانند خوشبختی و آزادی مقدم است. در نظام جمهوری اسلامی نیز عدالت از جایگاه بالایی برخوردار است و برقراری عدالت همواره مورد تأکید بوده است. از این منظر نیز می‌توان گفت دستیابی به مصالحه می‌تواند به برقراری و تحکیم عدالت کمک کند. عنصر کارآمد بعدی در مصالحه نقش قانون و قانون‌گرایی است. کالین مورفی معتقد است، مصالحه سیاسی فرایند پیچیده‌ای است که مجموعه‌ای از قواعد مربوط به احترام متقابل درباره نقش قانون را شامل می‌شود. به نظر او اعتماد معقول سیاسی شهروندان به نظام سیاسی می‌تواند به تعمیق و گسترش درک ما از مصالحه سیاسی کمک کند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در جوامع مردم‌سالار، مصالحه سیاسی نه‌تنها باعث تضعیف نظام نمی‌شود، بلکه تحقق آن می‌تواند نظام سیاسی را تقویت و پایه‌های مشروعیت آن را مستحکم کند. ذکر این نکته مهم، ضروری است که مصالحه سیاسی بر پایه حفظ منافع طرفین طراحی شده و به‌همین‌دلیل در فرایند مصالحه ما شاهد بازی با حاصل‌جمع صفر نیستیم که در آن یک طرف برنده و طرف دیگر بازنده باشد. در فرایند مصالحه کنشگران طوری رفتار می‌کنند که منافع طرفین مدنظر قرار گرفته و نتیجه نیز منجر به بازی برد-برد شود. با توجه به اهمیت این عنصر به نظر می‌رسد در مذاکرات ایران و آمریکا طرفین به این باور رسیده‌اند که تا زمانی که نتیجه مذاکرات و توافقات به بازی برد-برد منتهی نشود، نمی‌توان انتظار داشت توافقی بین طرفین حاصل شود. سخن پایانی: به نظر می‌رسد مدل امر سیاسی موفه که در آن از رابطه آنتاگونیسم و آگونیسم بحث می‌کند، می‌تواند نوع رابطه و رویکرد حاکمیت با جهان خارج به‌ویژه مذاکره و امکان توافق با آمریکا را به‌خوبی تبیین کند، چراکه طرفین با اتخاذ سیاست آگونیستی و مصالحه‌جویانه ضمن حل‌وفصل مهم‌ترین پرونده حاکم بر روابط دو کشور می‌توانند زمینه را برای تعامل و همکاری سازنده براساس بازی برد-برد فراهم کنند. باید گفت با بازتعریف مفهوم مصالحه و با شاخص‌هایی که برای آن در این نوشتار برشمردیم، ایران و آمریکا می‌توانند به خصومت چندین‌ساله خود پایان داده و با توجه به تحولات منطقه‌ای و جهانی تعریف جدیدی از آغاز همکاری‌های مشترک ارائه کنند. البته به این نکته باید توجه داشت که رویکرد مصالحه‌جویانه باعث محو کامل تنش و منازعه و حل تمام مسائل و مشکلات کشور در روابط با آمریکا نمی‌شود، بلکه این رویکرد، می‌تواند باعث کاهش اساسی تنش و تقلیل سطح منازعات شده و زمینه لازم را برای تفاهم کامل و تأمین منافع ملی فراهم کند.

خبر

در جلسه کمیسیون امنیت ملی مطرح شد
روایت غریب‌آبادی از جزئیات مذاکرات رم

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به تشریح جزئیات مذاکرات رم از زبان غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه، پرداخت. به گزارش ایسنا، ابراهیم رضایی در توضیح جلسه دیروز کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، گفت: این جلسه با حضور آقای کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه، برگزار شد و گزارشی از مذاکرات غیرمستقیم بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در رم ارائه شد و به سؤالات اعضا پاسخ گفتند. او توضیح داد: ایشان بیان داشت که جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات جدی است و خواهان تأخیر نیست و طرف مقابل هم باید جدیت خود را نشان بدهد و تحت فشار رژیم صهیونیستی قرار نگیرد که به دنبال تخریب مذاکرات است. رضایی افزود: آقای غریب‌آبادی بیان داشت در مذاکرات در رم روی چارچوب کلی و دستور کار و گفت‌وگوی‌های فنی گفت‌وگو صورت گرفت و تفاهم شد. پیشنهادهای ما که در چارچوب نظام و مصوبات نهادهای بالادستی تدوین شده، مشخص است و از نظر ما همه تحریم‌ها باید برداشته شود و این باید منجر به انتفاع اقتصادی ملت ایران شود. به عبارت دیگر باید رفع تحریم به گونه‌ای باشد که منجر به انتفاع اقتصادی ملت ایران شود. او ادامه داد: معاون وزیر خارجه گفت ما بر سر اصل حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم مذاکره نمی‌کنیم و غنی‌سازی اورانیوم جزء خطوط قرمز ماست. ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست و غنی‌سازی اورانیوم هم با اهداف صلح‌آمیز در کشورمان انجام می‌شود. جلسات کارشناسی و فنی با هدف استخراج جزئیات مذاکرات، روز چهارشنبه هفته جاری به صورت غیرمستقیم در مسقط برگزار خواهد شد؛ لذا فعلا در حال استخراج اصول کلی مذاکرات هستیم. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی افزود: آقای غریب‌آبادی بیان کرد مبانی تحریم یعنی قوانین تحریمی کنگره و دستورات اجرائی رئیس‌جمهور باید حتما لغو شود. رضایی در پایان گفت: در ابتدای جلسه، لایحه اصلاح قانون نحوه استفاده از خانه‌های سازمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون بررسی شد و عنوان این لایحه به لایحه اصلاح قانون نحوه استفاده از خانه‌های سازمانی نیروهای مسلح تغییر پیدا کرد، بخش‌هایی بررسی و بخش‌هایی برای بررسی بیشتر به کمیته مربوطه ارجاع شد.

محسنی‌اژه‌ای به چین می‌رود

رئیس قوه قضائیه در رأس یک هیئت قضائی برای شرکت در بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، به شهر هانگژو چین سفر خواهد کرد. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، امروز در رأس یک هیئت عالی قضائی به منظور شرکت در بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، به شهر هانگژو چین سفر خواهد کرد. رئیس دستگاه قضا در جریان سفر به هانگژو چین، ضمن سخنرانی در مراسم افتتاحیه و اختتامیه بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، با رؤسای دستگاه‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، دیدارهایی دوجانبه خواهد داشت. رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در جریان شرکت و سخنرانی در اجلاسیه رؤسای نظام‌های قضائی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، راهکارهایی راهبردی و عملیاتی را برای توسعه هرچه بیشتر هماهنگی‌ها و همکاری‌های حقوقی و قضائی کشورهای عضو این سازمان مهم، پیشنهاد خواهد کرد. سازمان همکاری شانگهای با داشتن بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان، بزرگ‌ترین سازمان منطقه‌ای دنیا از لحاظ محدوده جغرافیایی و جمعیت است. کشورهای عضو این سازمان در مسیر توسعه و تقویت اقدامات مشترک در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، دفاعی و حقوقی-قضائی، قرار دارند و سازمان مزبور در حال تبدیل‌شدن به یک مجمع مهم برای همگرایی است.